

میلعا وه

قیاقد قیقذ نایب موزل
بخیر اتل قذر دیر ادتناما و

تانایب

ی نار هط ی نیسدن سحمدحم دیس جاد الله تقیاً
هرسد الله سّدق

میجرلاناطیشلانم للهادذوعا
میجرلانمحرلانالله مسب

ی نار هط هملاء هقر فتم تاجه تشون نیودتو یدنبهتسد ترورض

آنچه که به حسن این مسئله (چاپ و نشر مجموعه مطلع انوار) می افزاید این است که این دسته بندی‌هایی که شده خیلی مفید بوده است. به‌طور کلی نوشته‌جات متفرقه از یک اسلوب خاصی برخوردار نیست. حکم نوشته‌جات متفرقه مثل تألیف کتاب نمی‌ماند که مؤلف یک مبدایی را در نظر دارد و یک مقصدی را، و پس‌و‌پیش کردن محلّ به نظر مؤلف در تألیف باشد. حکم ورق‌های خطی انباشته شده روی هم را می‌ماند. کسی چیزی را می‌نویسد در کیفیت می‌گذارد، فرض کنید چند روز دیگر یک مطلبی را می‌نویسد در میزش می‌گذارد، همین‌طوری جمع می‌کند؛ پس‌و‌پیش [بودن این مطالب] دلیلی ندارد و معنا ندارد و انسان می‌تواند اینها را پس‌و‌پیش کند، چون نظر مؤلف در کتاب‌های جُنگ و کتاب‌های کشکول و کتاب‌های خطی، فقط جمع‌آوری مطالب متفرقه برای حفظ و ضبط است، فقط همین است. و لذا از نقطه‌نظر تدوین ایراد ندارد که اینها با هم ترکیب بشوند و منقّح بشوند و کم و زیاد و این‌طرف و آن‌طرف ضمیمه بشود. مضافاً به اینکه در بعضی از این

نوشته‌جات، به‌واسطهٔ مطالعه بعضی از اینها مخاطب در یک حال و هوای دیگری می‌رود، بعد یک‌مرتبه در صفحه بعدش قضیه در یک مطلب دیگر می‌آید که اصلاً از آن فضا یک‌مرتبه خارج می‌شود؛ ولی اگر اینها دسته‌بندی باشد آن مخاطب در همان فضا حرکت می‌کند، بدون اینکه بخواهد یک‌دفعه در دو [فضای متفاوت وارد بشود]. فرض کنید که یک‌دفعه یک مسئله مثلاً اخلاقی پشت سرش یک قضیهٔ اجتماعی [باشد]، این دوتا ربطی به همدیگر ندارند، یک‌دفعه انگار تهی می‌شود، [مخاطب] خودش را [گم می‌کند]. این هم یک نکته ضعیفی است در نوشتن مسائل متفرقه که این قضیه [دسته‌بندی کردن] آن نقطهٔ ضعف را رفع می‌کند.

محرّم هقرتم بناطم هعاطم ترورض هملاء

نیارد مهمی لیذ هئسم، رگید فرطکیزاو
 می‌مذ هک تسا فلؤم ءار آنایید، می‌طخت تاجه‌تشوند
 ضرعم ردی تارونحم هطساوهب ار اهنا هتسناوت
 اهنا هتساوخمی فرطکیزاو؛ دهدب رارق مومع
 رد مه دناسرب مومع علاطا هب یوحن کیهب ار
 هب نآ رکذ مدع رد مه و هتشاد رونحم دارم نایید
 [هدوب نامز] نآ رد بذه کی تایصوصذ هطساو
 هئسم دنادی مه کش دوخ بتسا هتشاد رونحم
 دراد ی تارونحم کی باطم نایید ردی لو، تسیچ
 نآ هطساوهب دناوتی مذ و تسا ی دجت تارونحم هک
 زاناسنا دهدب رتشیب حیضوت و نیبت تارونحم
 هب ن دیسر رد دناوتی می لیذی طخت تاجه‌تشوند یا
 تاجه‌تشوند رد هتبله هک، دنک هداقتسا لئسم نآ

تسه ن اشیا

هب دناوتی متیا کد کیزا تا قوا زا ی هاگ مدآ
ی لیخ ی لکروط هب هتکن کیزا . دسر ب هئسم کی
، دوشی م نشور و شاف ن اسنا ی ارب لئسم زا
دامتعا هدنسیون ای ه دنیوگ هب تبس زرگا اصوصخم
ریسم ا لاصا اسبهچ ، دشاب هتشاد ار صاخرواب و
دنک ضوع ار وار کفت

بانتجا و بلاطم ل قذر د ی رادتنا ما موزا

ی شنیزگ ن ایب زا

ل قذر د دیاب ن اسنا هک تسا مهم ی لیخ نیا و
ی ها مکار هئسم و دنکب ار تنا ما تیاعر بلاطم
ن ایب رد تقوچیه . دنک و گزارب بطاخم ی ارب ی ه
تسا بطاخم اریز ؛ دنک ل مع ی شنیزگ بلاطم
هئسم نیا اب طابتر ا رد هک دریگب میمصت دیاب هک
میمصت هکنیا هن ؛ دنکب تواضقه چ ، هدینش هک ی ا
هئسم نیا رد هک دیوگب دیاب ه دنیوگ . تسا ه دنیوگ اب
رگا و دیوگب دیاب ار نیا ، تسا ه داتفا قافتا نیا
هب ن اسنا ، تسا تنا یخ رگید دشاب نیا زا ریغ
! دنکی م او غا ار بطاخم و دنکی م تنا یخ بطاخم
کی مدید ن سح ماما دلوت بش رد ن معفدکی
تشاد ن سحای نب هب عجار ، دوب ی ربنم صخش
و دیجمت و فیرعت و درکی م تبحص مدرم ی ارب
اروشاء هعقاو و دندوب ز اسخیر اتن سحای نب هکنیا
و دنتشاد هگن ه دنز اد هشلادیس زا دع بن سحای نب ار
هعقاو ترار دن آ هک دنتشاد گن ناشدوخ ی اهم ایقا ب
ن درکت تبحص روطنیا بذ . دنک ش کور فاروشاء
تکر د کی ن سحای نب ی اهت کرد ! تسا تنا یخ
و ق داصد ماما و دوبن ه مئا هیجان زا ی ضم ی اه
فلاخم ن سحای نب ی اهت کرد نیا اب رقاب ماما

قداصد ماما دنیا می‌تسا ی تکرده چن آ. دندوب
 ن آ؟! دندک لتقه بد دیدهدت و دندز ادنیب ن ادنز رد ار
 روشهدرم! دندوب زاسخیرات دبیوگی م امشد تقو
 ن ادنز ار قداصد ماما هک دندرب ار خیرات نیا
 رگا دنیوگب و - ن ادنز هلیوط رد م ه ن آ - دندز ادنیب
 ن اسنا [تقون آ]! میشکی م ار وت ادرفی نکذت تعید
 می ادیپی تروصد هچ، دندک تبحصد روطنیا دیایب
 ؟! دندک

نیا «: [می‌مق] سابعه خیشاقاً موحرملوقه بد
 گند هداثفا قافتا ن سحای نبه طساو به هکی عیاقو
 دیابن ام. میوگب دیابن ام میهنتم، تساهدوب خیرات
 م ه ن اشیا «! دنوشی م نیبب مدرم نوچ میوگب
 مدرم؟ دنوشی م نیبب هچ به مدرم، درکی م هابتشا
 هچ ن سحای نبه رگم؟ دنوشی م نیبب یسک هچ به
 ؟ دنوشن ای دنوشن نیبب مدرم لامادهک دنتسه ی ناسک
 دنتسه هیقبلثم ی لومعم مدآ کی

لوبق ار رفذ هدرهچ دیاب طقف هعیشد بتکم
 ،دنوشی م نیبب مدرم. دش مامت، سب و دشاب هتشاد
 زارکنم و ریکذرگم! دنوشی م نیبب هک منهج به
 می ضحم الله دب عن ادنز رف میهاربا و دمحم زام
 ره بخ؟ تسیچ اهنا به تبسنت رظنهک دنسرپ
 تسه هکی ایضق

؟ تسیچ اهنا به تبسنت رظنهک امشاقاً -

تسه هچره لاماد بخ -

وت طوطخ و طخمیمهفب ییوگب دیاب ریخنه -
 میمهفب ار

این حرفها نیست؛ آنها هم مثل بقیه، بقیه هم
 مثل آنها؛ نه تنها در بنی‌الحسن این مسائل اتفاق
 افتاده، حتی در بنی‌الحسین هم این مسائل اتفاق

افتاده است. افرادی که بودند [و خلاف کردند]. اینها چیزهایی است که باید گفته بشود تا شیعه آن مسیر ناب خودش را انتخاب کند و کورکورانه نباشد.

خیرات و ملاحی خیرات قنقد زا ییاهنومذ رصاص

،دنک ماندب ار همئا تساوخی م ی سابع لکوم
حضتفم مدرم نایم رد تساوخی م ار ی داه ماما
س لجم به مینکی م توعد ار ی داه ماما تفگ ؛دنک
ی رار صا اب لاد هر خلأاب ات اهنیا و بارش و مزب
ترضد ات دنکب ی راک به راداو ار ماما [ی زیچ
].دوشب ماندب

هک ی لئاسم نیمه رد مروآ ی اهیضق کینم
هفاضا تاقلعت رد اهابتک نیمه به تسارارق
موحرم ی ثحبم هک ار ی صخش نآ ناساد .دوش
مکادس لجم رد دعب و دوب ی ناگیاپلگ لامجدیسا قآ
لامجدیسا قآ موحرم ی اهثحابممه !دروخ بارش
ام راک !میسرتب نامدوخت بقاع رب دیاب !ی ناگیاپلگ
دیسا قآ ی اهثحابممه هک ی سک !دسری م زور نیا به
وا ، [دوب] فجد لمسم دهتجم و ی ناگیاپلگ لامجد
لام هطساو به دعب و شهاگداز به ددرگی مر ب
و ماشد و دنکی م شتوعد و دروخی م هکی مارح
رد هر خلأاب ی یادک طاسب مه دعب و ورب و ایب
س لجم به س لجم ،دعب و دریگی م رارق ی تسیابدور
ی م اج نیا به راک ؛دنکی م ادیب ماتتخا رمز برش
!دسر

،دندرک باجد فشک و دندما هک ی ناسک نآ
هک ار ی دیحو نیمه !دندوب لمسم نیدهتجم زا اهنیا
تازاجا ناشیا ،دندرک ش مادعا بلاقنا زا دعب

!ددعتم تا زاجا ، فجن ناگرزب زاتشاد ی ددعتم
 زاشید مدینش مگرزبردپ زانم هک یروطنیا
 وی نیئانل اثما .تسا هتشاد داهتجا هزاجا هدزاود
 [دندوب هداد داهتجا هزاجا واهب] ءایضا اقا وی قارع
 رد باجی پ ارش دوخ نز و دیآمی اقا نیا و
 نیمه ، دروآمی هاشنامرک باجد فشک سلجم
 و دراد داهتجا هزاجا رتشیب ایات هدزاود هک ییاقا
 ی دب رعاشد ی رعش رظن زانم ، دیارسی رعش
 اهنیا نیمضت ، هدادن نیمضتی سکی یارب ادخ¹. دوبن
 اهراک نیا دیآمی دوشی دنلب اقا نیا بخ ، هدادن ار
 دنکی م ار

ی داه ماما تساوخی م [لکوتم] مایضا نیا رد
 ماما ردارب . درادن هدیاف هک نیا دنتفگ . دنک ماندب ار
 وا ،تسا فورعم اضران با هب مه نا هک ی داه
 سلجم رد رواید ار وا ،تسا اهفرح نیا لها
 نکش خپ ایند همه دعب و لئاسم نیا و تدوخ
 م هی سکو و تسا هدوب سلجم نیا رد اضران با هک
 اضران با نا اب اضران با نیا هک دمهی م هچ
 ی بوخرکف ، هلب: «: دیوگی م [لکوتم] ؟ دراد توافقت
 زان ناشیا دنکی م توعدهتسرفی م .» .تسا
 هب² رسج رسد ی داه ماما . دیآمی م ءارماس هب هیندم
 یارب: «: دنیوگی م واهب ، دیآمی م شردار بل باقتسا
 وفرطنیا هدرخکی .» ؟تسا هتساوخ ار وت هچ
 ی من ارچ: «: دیوگی م [ماما] . دنکی م فرطن آ
 می .» ؟تسا هتساوخ [ار وت] هچ یارب بخ؟ ییوگ
 .» نلاف و میاید و اشپ ده اوخی م [هفیلخ]: «: دیوگ
 نیا ییاید ده اوخی م ریخن»: دیوگی م [ترضد]

¹ .مقیلعت 196 ص ، 6 ج ، یسانش ماما هب دوشد عوجر
² لپ

ار ورباً دعب و ی نکب ار راک نیا ، ی نکب ار راک
 «درید دهاوخی م ار تبیلها م ی ورباً ، درید
 میرانگی مذ م ه ام !هن» :هک تفگ [ترضد ردارب]
 !ورن» :دندومرف ترضد «دسر باهاجنیا هبلاًثم
 ی زیروربا نیا ، نکذ تکرشد سلجم نینچ رد
 ی یاهدیما کی هب للاح م ه وا «... و درک دهاوخ
 ترضد هچ ره هصلاح .دوب هدمآ ،دوب هشد دنلب
 ی نعید .دهدی مذ رثا بیترت وا ،دننگی م رارصا
 دعب دریگی م رارق ی یاضف کی رد ناسنا هکی تقو
 ماما ش ردارب رگا ،راکنا یاضف نآ رد رگید
 !دریذپی مذ ،دیوگب دیایب م ه ی داه

رارصا دراد ماما !تسا بیجء هلئسم ی لیخ
 و «!هن» :دیوگی م و دریذپی مذ وا و دنکی م
 م ه ام ی ریذپی مذ هک للاح» :دیوگی م ترضد
 هن لاو ،میوگی م ن م ار نیا - «مینکب راکچ میدلب
 ی ارب لکوت م هک وا - دیوگب وا هب ترضد هکنیا
 ا هح بصد ،ل اس هس ،درکی م ی رامشهظط ش ندما
 ی مذ ش هار [اما] ،تسا هتفری م لکوت م رصق رد
 زور کی ،تسا ضیرم دنتفگی م زور کی .دنداد
 کی ،تسا باوخ زور کی ،تسا تسم دنتفگی م
 م ه ل اس هس زا دعب ،ل اس هس ،... دنتفگی م زور
 بذ ؟دیتفیب رد دیهاوخی م ماما اب .دریمی م لکوت م
 دندوب همئا ی اهر سپ آهنیا ؟دندوب ی ناسک هچ آهنیا
 !رگید

ی انبم و هار باختنا و ق ناقذ زا ی هاگآ

حیحص

هار میناوتب ات میونشب ار بلاطم نیا م دیاب
 نیا م ات .تسا نیا هلئسم .مینک باختنا ار حیحص
 ؟تسیک ماما مینیب میناوتی مذ ،میونشن ار لئاسم

ی‌مذ؟ تسیچ‌هاچ؟ تسیچ‌هار؟ تسیک‌ماما دنزرف
ام‌نوچ؛ دشاب‌دیاب‌اهنیا و میمه‌فب‌ار‌اهنیا‌میناوت
؟تسا‌دب‌ی‌سک‌ه‌چ‌مینیب، میر‌اند‌بیغ‌ه‌ب‌م‌ء‌ه‌ک
تسا‌تسرد]‌هار‌هار‌م‌ادک؟‌تسا‌بوخ‌ی‌سک‌ه‌چ
قرط‌رد‌دادضا‌ن‌ید‌عمج‌ن‌یم‌ه‌زا [!‌طلاغ‌م‌ادک‌و
و‌هاو‌خلد‌دروم‌ه‌جیتن‌ن‌آ‌ه‌ب‌میناوتی‌م،‌اق‌س‌و
م‌یسر‌ب‌بولطم.

ک‌ی‌طقف‌ش‌دوخ‌ش‌ور و‌ه‌ویش‌رد‌ی‌در‌فر‌گا
و‌ب‌یش‌نوز‌ارف‌ناسنا و‌دشاب‌ه‌تشداد‌ار‌طخ
،دنک‌س‌اس‌ح‌ا‌فر‌طن‌آ‌و‌فر‌طن‌یا‌رد‌ج‌اجوع‌ا
ی‌ک‌ی‌ه‌ب‌ت‌ب‌س‌ن‌ار‌ش‌ر‌ظن‌د‌ناوتی‌م‌ذ‌اع‌بط‌ب‌ذ
زا‌در‌ف‌ن‌یا‌ه‌ذ‌دید‌ن‌اسنا‌ه‌ک‌ی‌ت‌ق‌و.‌دنک‌ح‌ی‌حصت
ف‌التخ‌م‌ت‌ان‌ایر‌ج‌ه‌ب‌ش‌دوخ‌ش‌ور و‌هار‌ر‌ظنه‌طقن
!‌ب‌ج‌ء‌!‌ب‌ج‌ء‌دمه‌فی‌م‌ت‌ق‌و‌ن‌آ،‌دوشی‌م‌ه‌دیشک
س‌اس‌ا‌ن‌یا‌ر‌ب‌و،‌ت‌فر‌ی‌ذ‌پ‌ار‌ی‌زی‌چ‌ر‌ه‌دیاب‌ن‌ر‌گید
ار‌ش‌دوخ‌ی‌ر‌ک‌ف‌ی‌ن‌اب‌م‌و‌ش‌دوخ‌ی‌ه‌ق‌ف‌ی‌ن‌اب‌م‌دیاب
.دنک‌م‌یسر‌ت‌دیاب

ی‌م‌ء‌ی‌ن‌اب‌م‌ش‌ی‌ادیپ‌رد‌ت‌اد‌ه‌اش‌م‌ریث‌ات

ل‌ود‌رد‌ه‌ک‌ی‌ا‌ه‌ف‌لتخ‌م‌ث‌داود‌ن‌یا‌اع‌قاو و
ه‌ت‌ک‌ذ‌ن‌یر‌تم‌ه‌م،‌دوشی‌م‌ادیپ‌ن‌اسنا‌ش‌و‌حو
ی‌ن‌اب‌م‌رد‌دی‌آ‌ی‌م‌ه‌ک‌ت‌سا‌ن‌یم‌ه‌ش‌ت‌ب‌ثم‌و‌ز‌اس‌ریث‌ات
ر‌ه‌ن‌اسنا‌ر‌گید و‌.‌دنکی‌م‌فر‌صت‌ول‌خ‌د‌ن‌اسنا
ه‌ب‌ار‌ی‌ی‌ان‌ب‌م‌ر‌ه،‌در‌ی‌ذ‌پی‌م‌ذ‌ی‌ت‌ح‌ار‌ه‌ب‌ار‌ی‌ئ‌یش
ی‌م‌ذ‌ب‌ا‌ح‌صت‌سا‌ار‌ی‌زی‌چ‌ر‌ه‌و‌در‌ی‌ذ‌پی‌م‌ذ‌ی‌ت‌ح‌ار
.در‌ان‌گی‌م‌ب‌ات‌ک‌و‌ب‌اس‌ح‌ش‌دوخ‌ی‌ار‌ب‌دی‌آ‌ی‌م‌.‌دنک
.دنیب‌ن‌اسنا‌ه‌ک‌ی‌یا‌ج‌زا؟‌دوشی‌م‌ادیپ‌ا‌ج‌ک‌زا‌اهنیا
فرط‌دینک‌ض‌رف-‌دنیب‌ن‌اسنا‌س‌ک‌ک‌ی‌ن‌اسنا‌ی‌ت‌ق‌و

- هتسب ار رد و شاه رجد رد و شاهنا خرد هتفر
بیغلاب امجر دوشی مریخ و از اچره ناسنا طقف
 ،دنتسه یروطنیا نلافی اقا [:دنیوگی م] ،تسا
 پاچم ه باتک ،دناد ار تاماقم نیا نلافی اقا
 می ل قن اهنیا لئاسم ،تامارک ،تایاکد ،دوشی م
 م شچ هد و هدینشد و تسا هدیدن ناسنا [ی لو] دوش
 رد ؟ دوشی م هچ هجیتد رد ؛ [تسا] هدیدن ش دوخ
 و ،دریگی م لکش و ان هذ رد ی یانبم کی هجیتد
لَضْمَه ! لَضاً و لَض و دوری م انبم نآ ساسار ب
 طقف شاکی ا ،تسا رتدب ش لضا نآ ، **لَضاً** م ه و
 دوب اهنت **لَض**

کی ،دیای م شپ ی یایاضق هبترم کی اما
 می شپ ی تایصوصخ کی ،دیای م شپ ی لئاسم
 ی تحار ه ب بلاطم نآ زا دناوتی من ناسنا هک دیا
 دیای م ؛ دنکب روع رگید اهنآ زا دناوتی من ،درنگب
 ،دراسی م هدیا ش ای رگفت متسیس رد ی لک روطه
 ی نایم نوچ ؟ ارچ . دنکی م تسرد انبم کی لاصا
 تایلوا و تایهیدب و تامدقم عبات ناسنا ی رکف
 نآ رب و .تسا تادهاشم تایلوا زا ی کی و تسا
 ار ش دوخ تادهاشم و دیایب ناسنا هک ی تقو انبم
 ؟ دوشی م هچ هئسم نیا ،دهدب رارق کلام و رایعم
 هیرظن کی حرط ی ارب هیاپ و ی لّوا لئاسم عزج
 ی هقف هیرظن کی و ی عامتجا هیرظن کی ،ی ماع
 دوشی م

همنآ خیراتق یاقدا ههجاوم تیمها

ملاسنا مهیلع

ن اگرب ی ارب ی لیخ هک ی لئاسم زا ی کی اذل
 کیرد دیابام ارچ هک دوب نیمه ،دوب هجوت دروم
 ؟ میریگب رارق هدش هتسار یپ عیشتی گتخاسد یاضف

اهنیا همئا نامز رد دارفا زای رایسب هکنیا تلع
هک دوب نیا رطاخه، دندشی ه دیشک فارحنا ه
و اهداضت و لئاسم دهاشد کیدزن زاناشدوخ
ش یار آهنآ یارب ماما کی. دندوب اهنیا و تافلاتخا
می ش یاریپ ماما ام یارب. دوب هدشن ش یاریپ و
دیآمی ش دوخ ه اوخلد قبطرب ی صخش ره! دوش
!دنکی م ریسفت ام یارب ار ماما لئاسم

هدنامرف و مکاح نآ اب دیآمی داجسد ماما
دنکی متعید، دیآمی ه نیدم رد هک دیزیر اوخنوخ
هچر ه دشاب عیطم هکنیا رب دنکی متعید داجسد ماما
کرت دیوگی مده کار هچر ه و دیوگی م دیزیه کار
دنکب

ناسک و کذل اثما و هنیوگ، فالوم لاد بخ
ار ناشدوخ ترا سجر تشید ی رادقم کی هک رگید
می اهنیا، دنک ل امعاً هیضق نیا رد دنناوتی م مه
ی لک روطه ب لاصا ار داجسد ماما لمع نیا و دنیا
لوا هلهو رد رگا. دنکی م دادملق ماما ناشد زارود
ه بن اشروز رگا و هئسم راکنا ی لک روطه بتسا
ءافخا ددصرد و دنیا می، دیسرن هئسم راکنا
دنیا می رب هئسم

ی لک روطه [دنیوگی م]: راکنا لوا هار رد
هچ و درادن دند و تسا غورد هیضق نیا لاصا
مود هئسم رد؟ اهفرح نیا و تسا هتفگی سک
،تسا ه داتفاق افتا و هدوب هیضق نیا اقا هذ هکی تقو
هدوب هچ تسین مولعم [دنیوگی م]: هیضق ءافخا
دیابن ار اهفرح نیا، تفگ دیابن و مولعم، تسا
!دز

هذ دوشی م ءاقلا هعماج هه کار هچنآ نیار بانب
رگید زیچ، دیر یذپد ار وا هعماج دیاب هک تسا نآ

و هار هعماج هب میدماند نام نوچ، دیای مرد بآزا
 شور و هار، میهدب ناشد ار ماما ی عقاو شور
 همنأ مارمزا و میهدی م رارق ار دوح ی اهقیلس
 ار نام تايند دناوتب هک مینکی م باختنا ار هچنأ
 - هک دینکب ضرف - میای مذی تقو چیه . دنک ققم
 مامازا ، مینک تبحد داصد ماما مارم تیفیکزا
 مینکب تبحد داجسد مامازا ، مینکب تبحد نسد
 نآرد میوری م ، [دندرک هچ] ایضاً نآرد هک
 ییاهزیچ کی تیاور نآ ، رابخا نآ ، لئاسم
 لئاسم نآ اب دناوتب هک میرادی مر ب ، مینکی م ش نيزگ
 ی نایر ج ر هرد . تسه اجه مهر دنیا و دناو خبام
 کیزا هورگ کی ای صخشد نایر ج نآرد هک
 ربش دوح صئاقد اب ار دوح دهاوخی م فرط
 لابندهب نایر ج نآرد ، دنک لیمحت دارفا ریاسد
 زا ؛ درگی م ، دوری م ش دوح تیاونم تادیوم
 ی م هوک ار هاک . [دنکی م هداقتسا] دناوتب هک هچره
 ی دییات کی دناوتب هکنیا ات دنکی م هاک ار هوک و دنک
 ادیپش دوح قوفت و علاعتسا هبنج نآ و هار ی ارب
 ره ی ولج ، فرط کیزا . فرط کیزا نیا . دنک
 دوشب و ان دیسر ی ارب عنام دناوتی م هک ی اهصیقند
 صقنی بناسنا هک هر خلااب . دریگب . هلیسور ره هب .
 هک ار هچنأ و صئاقدی ولج [دنکی م می حسد] . تسیند
 ، دریگب ار اهنا ی ولج و دوشب عنام دناوتی م
 ، هشد کزب کسور ع کی دوشی م نیا بذب . دریگب
 نامه هب اهنیا و هشد هئارا دارفا هب نلأ نیا هک
 . دننیبی م تیفیک

رارسانامک اب قئاقد نامتک توافت

کی . میرادنءافخا ام عیشت بتکم رد ی لو
 دینک ضرف لاماد ، تسای رسد بلطم کی ی تقو

مارح نیا بخ، هدرک مانگ ءافزرد هک صخش کی
 در ادنی لیلد و تسا مارح؛ دوشب اشفا [رگا]، تسا
 شور و هار هذی تقو کی. دیوگب دیاید ناسنا هک
 ار هار نآ، دندادی م دارفا ریاسه هک ار ی در ف کی
 ناشن دارفا هب و دنک نایید دیاید ده اوخی م ناسنا
 دنتسه ت ایصوصخ نیا ی اراد اهنیا هک دهدب
 رس کی ءاشفا هئسم، هئسم اجنیا رد رگید
 مء باطم کی راهظا و نایید هئسم هئسم، تسین
 مدع نیا. تسا ش اف باطم کی باطم دوخ، تسا
 دشاب دیاب [ق د نامتک

، تدم نیا لوط رد هعیش عمتجم رد هئسم نیا
 هب و. تسا صقاند باطم نیا و تسا ی لادش یاج
 دنیاید هک تسا نآ هعیش نیغلبم هفیظو ی لک روط
 ساسا تیروحم ش و حول و د رد هک ار هچنآ
 لامد، دننک نایید دیاب ار نآ. دننک نایید، تسا بتکم
 ؟ دنک هچ هک دریگب میمصت ش دوخ دیاب بطاخم
 ربل کوم ام رگم، میتسه نیبطاخم مّیق ام رگم
 مّیق مدرم! ؟ میتسه مدرم ربل کوم و نیبطاخم
 ادخ، دندراد ناشدوخ ربل کوم، دندرادی لو، دندراد
 مینک [تلاخد نامدوخ زا] زیچ دیابن هک ام؛ دندراد
 ی م هتفگ فلاخ هئسم نیا، لئسم نیا اب تقو نآ
 دوشد.

تاجه تشون رد مهیم بلاطم نیبیت موزا هملاء هقرتم

ی ضعب رد هک - ار نم دوش ساسا و رکف مامت
 کی ی اشفا طقف - دندوبی مهیم لئسم کی طاقدزا
 ی نایرج کی هب تبسناقاً موحرم فرط زا باطم
 هب لاصا ارم تینهد مامت. داد ریغت لکلاباً لاصا
 ی ارب [کاردا تیفیک] بخ. داد ریغت ی لک روط

مسق کيس کره ی ارب، تسا روج کيس کره
کيس، باطم نینچ اباتسا نکم ی سک کيس. تسا
نکم ی سک کيس، رگید مسق اباتسا نکم ی سک
رگید تيصوصخ و دروم اصلاخ کيس اباتسا
،دیوگذ و دنادبار لئاسم نیا ناسنا رگا بخ. دشا
!؟ تسینت نایخ نیا

هعومجم نیا ی ارب هک ی اهدقم نیمه رد نم
مه ی زجوم ی لیخ و رصتخم ی لیخ اهدقم و متشوند
مدرک هراشا باطم نیا هب اجنا رد، تسه
باتک اتسا نکم هک ی تازایتما و تایصوصخ
هتشاد اتسا نکم گنج و ی طخ و تشونتسد
؛دوب نیا متفگ هک ی یاهه تکنزا ی کيس اجنا رد دشا
ار ی بلاطم زا ی ضعب هک اقا موحرم اجنیا رد متفگ
دندرکذل قذارش عجرم هک دندرک رکز ماهبا و حنه
ی تلاد رد؛ اتسا هدش نایب ی لئاسم مهیم و حنه
؟تسیچ هئسم و باطم هک دننادی م ی رایسب هک
هک اتسا بوخ ردقچ و ؟تسیچ هیضق دننادی م
فطع و تریصب اباشهار باختنا ی ارب ناسنا
راچدی تقو کيات، دنکل مع بلاطم نیا هب هجوت
دهدنتسد زا ار هیامرس کيس و دوشن هابتشا
بالاج. اتسا ی مهم هئسم، هئسم نیا اعقاو ردقچ
،هیضق نیمه اهی ضعب هک مینیبی م ام هک اجنیا
رد هک ی هار ابا نوچار نشور و حضاو هئسم
دندکی م راکنا، اتسا ضراعت رد دنتفرگ شپ

ج رد اقا موحرم لثم ی تیصخش کيس رگا بخ
و هدوب ماهبا و حنه شیارب ی بلاطم نینچ
ی تمکد هچ بخ، هدوب ماهبا نشاد هگنزش دوصقم
[روط] نیا !؟ اتسا [بلاطم] نیا ج رد رب بترتم
ی هیضق کيس میاید نم. دوشی م و غل میکد م لاک هک

می هار نابایخ رد هعقد کی دنم اقاآ: منکب ل قن
 بخ «... ن لاف! کدرم ی آ: دز داد ر فذ کی، م تفر
 دراد ی لیلد هچ؟! تسای یانعم هچ هب؟ هچ ی نعین یا
 طخ هچ اب م ه ن آ ش اهتشون کی رد ی صخش هک
 هک ی ا ه عومجم نینچ رد، ی ترابع هچ اب بوخ
 ، دراد ن آ ظفد رب دصق و دراد ن آ تبث رب دصق
 [هک] دنکب ل قن ماهبا و حنه ب ار ی بلطم کی دیاید
 هک ی صخش کی . تسای روطن یا سک ن لاف
 ! دوشن ص خشم ش زیچ چیه ، ش مسر هک ، ش مسا
 نیمه ، ی تشاد دایز رهو جرگم اقاآ!؟ هچ ی نعین یا
 هس ز ا دعب ام ی تقو هک ی سک ن آ!؟ ی تشون ی روط
 ل او ح ا ه ل صوح ، میوری م دهشم ن اشندید ی ا رب هام
 اهتشون ز ا ار ش رسد و دراد ن ی تد ارم اب ی سرپ
 ، م کیلع م لاسد» [: دیوگی م] طقف ، [دروا ی مذ ل ا اب]
 رد ؛ «می آ می مدرک م امت ن م ی تقو ، ی نور دنا و رب
 تقو ن آ ، دور ب تسد ز ا بلاطم ده اوخی مذ د ن یا
 دارفا م ه دعب]! دنکب ل قن مهیم ایضق کی دیاید
 هک م ه ام ه دوب مهیم ن اشرو ظنم ، اقاآ هک» [: دنیوگب
 اهنا هب هچ ی ا رب دوخید ؟ ه دوب ی سک هچ مینادی مذ
 روظنم هک دینزی م تمهت ، دیدنبی م ی زیچ نینچ
 کی امش ؟ تسه ن یا ش ریمض ع جرم و ن اشیا
 عون] ن یا «!؟ دیوگی م اجک ز ا ار ی زیچ نینچ م
 ن درک فر ب ریز رسد ن یا ؟ تسیچ [ن دز فرح
 تسرد] . تساق د ن درک ی فخم] ن یا ، رگید تسا
 دش؟

ن یا رب ن اسنا هک دشاب ن یا رب رارق رگا ل ا اح
 می هچ ه لئسم ، دشاب ه تشاد ع لاطا بلاطم ه نوگ
 کی بجوم ن یا ایآ ؟ دوشی م هچ بلطم ؟ دوش
 ن اسنا ی لک روط هب !؟ تسین ی ساسا رکف دیدجت

به تبسندار شدوخ ی رکفشور و هار نآ دیاید
 و فده لک رگید و دنکب حیحصت هئسم کی
 دنکب ساسحا و ؛دهدبرارقس اسان آربار شهار
 ی یاهزیچ ماهدیشیدنایم هک هچنآ زا رتلاب هک
 تسرد انب ل اح به ات هک هچنآ زا رتلاب ،تسه
 هکنا زال بق .تسه ی لئاسم و رتلاب تاقبط ماهدرک
 هک دوشدور ی وحنه بلطم و لئاسم دوخه بدوخ
 ار نیا !دادید داد ی ا :[دیوگب شدوخ اب ناسنا]
 ل بق زا ار لئاسم ،دنتفگ ل بق اهل اس ،دنتفگ اهنیا هک
 و هچ ل ابند ،میدرکذ لوبق ام !ش اب ار ام .دنتفگ
 !چییه و میتفر هچ

تسا ملسا رخافم زا هفینحوبا ایآ

هک اهمدا .دنک ت محر ار ی رهطم مو حرم ادخ
 زا هک ی اهتشون نیا رد نم !دنتسین مو صعم
 ی اقا به عجار ه دش ل قذ ی نیمذ ی اقا مو حرم
 ناشیا ی اهتشون ءانثسا نودب» :هک ی رهطم
 ن لآ .تسا فرح ی اج ملاک نیا رد بذ¹ «...
 لمآت ی اج (ی رهطم مو حرم) ناشیا ی اهتشون
 ی ب» :هک دنک تبحص روطنیا دیابند مدا .دراد
 کی ی نعید [ترابع نیا] «...ی اهتشون ءانثسا
 نیا !درادنا طخم هلمج کی ،درادنا طخم هلمک
 زا ار هفینحوبا شباتک رد ناشیا .تسین روط
 ود باتک نیمه رد !دنکی م رکذ ملسا رخافم
 هاگذ دیور بد بذ .² نامز ت ایضتقم و ملسا ی دلج
 ماما کی هرامش ن مشد هک ی اهفینحوبا !دینک
³ .دراد ی نیگنذ خیرات هفینحوبا نیا و ،تسا ق داص

¹ 242 ص ، 16 ج ، ماما هفیحص

² ، ی رهطم دیهش راثا ه عومجم ؛ 104 ص ، نامز ت ایضتقم و ملسا
 81 ص ، 21 ج

³ 143 ص ، 3 ج ، توکلم رارسا ه بدوشد عوجر

زا] ی‌کی هزات . متفگن اتیارب ار نآ هیضق کی
 ی‌م تبحصی دزد هبعجار هدمآ . دوب [ش یاهناتساد
 «دینک عطق ار ش تسد دیاب» : دیوگی م هفینحوبا ، دنک
 اجنآ ی‌سک کی ، دنک عطق ار ش تسد دنوری م دعب
 تسینیا هک راکنیا مکدرخآ» : تفگ دوب هتسشن
 و تسا] هدرک ار راکنیا مکنیا ! ی‌تفگ وت هک
 ! بجد» : دیوگی م ! «[تسا ی‌رگید زیچ ش مکد
 بذ [: دیوگی م] « . مدوبن هجوتم ، ی‌یوگی م تسار
 ی‌م عطقن لآ [هتشن رید ات ، ن اشلابند] تسرفب
 «تسا هتشدگ هک لاماد نک ش لو» : تفگ «! دنک
 ی‌م ، دنکی م عطق ار ی‌هانگی بکی تسد ! بجد
 و «! رگید ، میدز ار ی‌فرد لاماد نک لو» : دیوگ
 . دنکی م عطق

ی‌م هچ [واتارظن و اهراک] نیاناعقاو بذ
 هکی تسیاب اهنیا هبعجوتی بلاما م ی‌نعید !؟ دوش
 رخافم زا ار وا] لاماد !؟ [مینزب فرد و اهرابرد]
 مدرم روصنم نادنز رد نوچ ، مینادب ملاما
 نیا و نلافن ادنز رد م هاهت سینومک بذ !؟ تسا
 نادنز رد ی‌سک ره رگم . دنریمی م اهفرد
 اب [هفینحوبا] [!؟ تسا ی‌بوخ مدآ دریمب ی‌ملاظ]
 هدوب دلب طقف ، هدوب جلا ، هدوب ش یاوعد روصنم
 روصنم اب گنجی اپار مدرم و دتسرفب هیملاعا
 و ام هر روصنم هر خلاب . دوربرد ش دوش و دتسرفب
 طخ هبعجرد دوشی مندلب هک ش دوش . دریگی م ار
 و دوشی م میاق و دنکی م رارفش دوش ، دتسیاب ل و
 لاماد بذی لیخ . دنریگی م ار و دوشی م میاقی تقو
 نیا ، دنکی م توفن ادنز رد و هتفرگ ار و هفیلخ
 بوخی لیخ م هر جراوخ سپ ! دشنی بوخی مدآ هک
 رد م ههيواعم و صاعورم اب نوچ دندوب

تیلو تقیقت فرعم تیمها

هائسم ی لیختیلو هائسم ی لک روطه بَلاصا
 ی تقو هک تسا ی اهائسم نیا ی نعید! اتسا ی بیج
 عجار ی تقو ناگرزب هک میمهفی م مینکب هاگزام هک
 ار لاصا ار ی لو اهینیا هک دنتفگی م اهی ضعب هب
 ی لیخت، دنرادن لوبق ار نامز ماما، دنرادن لوبق
 نامز ماما هچ ی نعید! بجع! اتسا بیج م ی ار ب
 و دشاب هعیش ی سک کی دوشی م؟ درادن لوبق ار
 روظنم]؟! دشاب هتشان لوبق ار نامز ماما
 بتسا نیمه [ناگرزب

هک ی یاقا نآ [م تفگ هک] دوب زورید هسلج رد
 رد دعب، هتشون اهباتک، هتشنگ شنس زالاسد داتفه
 نلاف» : هک دیوگی م - دییات ناو نعب - دیای م
 ربقرسد دیابلوا دیای م فجن هب هک ی تقو صخش
 ی گدنز، هدرکش کمک هکنا! دوربش تمعدنی لو نآ
 دعب بتسا هدرکش تیامد و هدناسر اجنیا هبارش
 م هار نینمو ملاریمما ربقرسد ادیپ م ه ی تصرف رگا
 ار فرحنیا ی داغ درفی نعید «!دنک ترایز دورب
 غیلبت دراد هک دنزی م ار فرحنیا ی درف! دنزی مذ
 بذ! دنادی م غلبم ار دوخ و دنکی م عیشبت تکم
 نازیم هدی م ناشن نیا!؟ اتسا ی غیلبت هچ نیا
 نآ رب و اتسا ردقچ نینمو ملاریمما زا و ت تفرعم
 هک ی بلاطم؟ درادش زرا ردقچ و ت فیلأت، باسد
 ی م ناشن همه اهینیا؟ درادش زرا ردقچ ی یوگی م
 رگید دهد

هدج ای مدج رسپ» : دیوگی م دیای م هک ی یاقا نآ
 لاصا امشد [ایا] «!منکد عافدش قدزارگا متسینما
 عافد دیباید لامد هک، دنراد ی قد هچ اهینیا دینادی م

امشد؟! دندراد ی قد هچ اهینیا هک، دیراد ربخ؟! دینک
تفرعم اهینیا تیلو هب و اهینیا مدع هب لاصا
!؟ دیراد

و بیغل ناسم هب تبسند اهینیا تفرعم نازیم
:تسانیا نامز ماما یارب بیغ علاطا هب تبسند
،دینکی مروهظ ترصدی تقو هک میراد تیاور
نآزا روند، دنیسنی میناکم کی رد ترصد
هب زاینرگید و تسانع طاسد نامسا هب ترصد
رد] ناشیا¹. درادنت و واضقرد اهینیا و هنیبو دهاشد
کی: «دیوگی م یروطنیا [تیاور نیا دروم
کی اجنآ و دندراذگی م ییاچ کی دندروآی م یلدنص
روند منادی مند تسانرزیل روند لاد- یروند
اجنآ رد یلدنص نیا! دوری م نامسا هب-؟ تسیچ
ی م دیآی م روند نیا، دوشی م هتشانگ روند نآ طسو
،دروخ ترصد هب روند نیا ی تقو و دروخ
»! دهدب صیخشت ار تیعاو دناوتی م ترصد
نینچی و ترصد هک نلا [ایا] دیامرفب بخ
رُیغَ اَنَابِا سپ؟! درادد ربخ، هتسشنند یلدنص
؟ تسیچ² **«مُکَرِّکَذِلَ نِیْسَانِ لَا وَ مُکِتَاعَارُمِلَ نِیْلِمُهُم**
ءامصُذ و اجنآ رد تسشنی م هک مهنینمو ملاریما
یفام زاترصد و ترصد نآ تمدخ دندمای م
اجک هفوک دجسم رد روند نآ، تفگی م اهنا ریمضلا
! دینکی م هجوت؟ دوب

ماما هاگیاج هب ی تفرعم چیه] لاصا ی نعید
راگنا]؟! دیآی م یروند کی [هک هچ ی نعید]! درادد
نیا دوب ی میدق ی اهمامد [تسا میدق ی اهمامدلثم
- تفری م مدآ ی تقو، دوب هشیش کی ش قاط ی لاد

¹ 386 ص 2، ج، داشرلا
1742 ص 53، راوندلا راجب.

ن آزا - میتفری م هک میدوب کچوک تسا مدای ن م
ت بسناهنیا ی نعید .مامد طسون آ دروخی م روز لااب
نیا تفرعم !دندراد تفرعم رادقم نیا طقف ماما هب
ی نلاف دندرف ن م» [:دیوگی م] تقو ن آ !تسا ردق
«!منکذ عافد ن اشقد زارگا متسیند

ار تفرعملها و دنیا ی م دارفانیمه تقو ن آ
نیا» [:دنیوگی م] و دنکی م ءازهتسا و هرخسم
ن م ی اهزیچ اهنیا ،تسیند تایاور رد بلاطم
رخآ .رگید مدینشی م ماهدوب ن م «!تسا ی دروآرد
ی م هچ ،ی اهدناو خذ م ه موظنم هحفص کی هک وت
ی دروآردن م بلاطم اهنیا» [:دنیوگی م] !؟ی یوگ
و نامدج ق د ز ا میهاوخی م ام تقو ن آ و تسا
هک دوشی م نیمه شاهجیتد «!مینک عافد نامهدج
دتفای م اههارید نیا هب ن اسنا

دارفای جیردت هبنت ل ماء ،ق ناقدرن اید

و دوشب هتفگ ی تسیاب هک تسای بلاطم اهنیا
هچ هک دنمهفب و دندادب دارفا هکنیا ات ؛دوشب ن شور
هبرمکی دارفا ههه .دندکب باختنا ار ی ریسم
طیارش هب هتسب دارفا رد هبنت .دنوشی مند هبنتم
بلست نازیم و اهنآ طیحم و اهنآ یرکف
ی م ادیپت وافت فلاخ بلاطم رد اهنآ هتاروکروک
،دندراد بلست فلاخ لئاسم رد هک ی دارفا .دنک
کی م ه اهنآ ی ارب دیاش ؛دناسنا م ه اهنآ هرخلأاب
ی پ ن اشدوخ فلاخ هب و دیاید شپ ی اهنزور
دینک ضر ف - نوچ لااح دیوگب ن اسنا دیابند .دندربد
اپ هبضق کی رد و دنتسه مکحم ی لیخ دارفا - هک
!هن ،دنتسه روطنیمه رخآ ات سپ دنتسه راکه
دندروخبر گنلت مکمک ،دنتسه مکحم هک ی پاهنیمه
اهیضعب .دنوشی م هابتشا هجوتم و دندرگی مر ب

صاخشا زای مسا وضو نودب دوشی مذلاً صا هک
ناشدوخ ن دش هجاوم اب ، مکمک مکمک ، درب ناشیپ
ناشیار برگید بلاطم ی لیخ و ایاضق و لئاسم اب
تسا نیا ملاء هفیظو تقو نآ . دوشی م ادیپ هبنت
، ار تین نآ ، دهدبرار قرظندروم ار فده نآ هک
ار صاخشا نآ ، یویند ماطد هطساو هب هکنیا هز
دراد هگذت یعضو نآ رد و ل هجرد

اقاً موحر م هک ی عقوم نامه رد تسا مدای نم
لئاسم ی نابم نیا ، دنتشونی م ار ی نابم نیا دنتشاد
ی م نیودت دنتشاد عقوم نآ رد ناشیا ار ی عامتجا
زا ی ضعب هجوتم عقوم نامه رد نم ، دندرک
حرط» : به صلاخ هک متفگ ناشیا هب و مدشلئاسم
و تایصوصخ هب هجوتم اب ، بلاطم هنوگ نیا
هتفرگ رظند دیاب بناوج و نئارق و طیارش
لأو! تسا ی ساسدی لیخ هئاسم ، هئاسم نیا . دوشب
لام موحر م لثم ی سک کی [رگا] ، هلب بخ
سار رد و] دهدب ماجنا ی راک دهاوخب ی لقنيسد
دهاوخب ی ضاق موحر م لثم ی سک کی ، [دشاب روما
، تسا مک دیسیونب هچره ، دهدب ماجنا ی اهئاسم
ضرف دهاوخب رگا اما . تسا مک ، دیوگب هچره
«؟ هچ دشا ب ی رگید روط لئاسم هک دینک

ی اعا ددن آام» : هک دودب نیا خساپ بخ هتبا
رگا ی اعا ددن نیا» : متفگ ناشیا هب «میسونی م ار
راکی اعا ددرگا ی لو ، بخ رایسب دهندتسد راک
نیا رد اجنیا ، دش هداقتساعوسد نیمه زا و دادتسد
هک تسا ی لئاسم اهنیا «! دوشی م ادیپ لکشم هیضق
. دنمهفب و دننادب دارفا و دوشب حرطم دیاب

تابصعنا زا روبع و ناناوج کاپ ترطف

هب ایاضق هک تسینر وطنیا هر خلأ اب بخ هتبا

گنری یا هن ادجو .تسینر وطنیا .دنامده و حذکی
ی اھطیحم رد ن اوج اُقبط صوصخب و هدشد
اھنآ و دنرتکیدزن ترطف اھب اھنیا ،ی اھاگشناد
ریگا پوتسد ی اھدنبودیقن آزا دنناوتی مرتتھار
نیا و تاحلاطصا نیا اُدنکرصد و هدننزدنبد
.دندر وبع ت اُبصعت

ی حیحص تابلطم ،تابلطم اھک منیبی م ام و
.داد حیحص خساپ ،حیحصد اُبلطم اھب دیاب .تسا
باوج .دریذپی مذ ترطف دشاب حیحص ریغ خساپ
اقآ .دشاب ی قطنم ،دشاب تسرد دیاب حیحص اُبلطم
ببوخ رایسب ،تسا نیا و نیا [اھئسم نیا تاع]
ی مذی داریا ی سک .تسیندی داریا ی قطنم خساپ رد
ی سک .دنکی مذ ار بلط ار ی ماقم ی سک .دنک
ار ی بلاکت ی سک .دنکی مذ بلط ار ی تسایر
رگید تسا نیا اقا :دیوگی م .دنکی مذ تسا و خرد
،نیا ،نیا ،نیا :دیامرفب ؛تسا نشور هار بخ
.دوری م دوشی م مامت ،ش هار مھ نیا

ما خیال می کنیم فقط خودمان همه چیز
می دانیم، [فقط] ما می فهمیم، [فقط] ما می دانیم،
ما بر مسائل مطلع هستیم و ما تصمیم گیر هستیم
و بقیه باید اطاعت کنند! نمی توانیم، این طور
نمی توانیم [کار را پیش ببریم]. اگر فردی بخواهد
این طور باشد، این فرد جز ولیّ خدا که مشرف
بر نفوس هست نیست. فقط او است که می تواند
آن نامه نانوشته را از قلب بیرون بکشد و بگوید:
«بفرما، شما می خواستی این را به من بگویی!
بیا» [و طرف مقابل بگوید:] «بله من می خواستم
به شما این را بگویم.» ولی آیا بقیه هم همین طور
هستند؟ بقیه حرف گفته ما را نمی فهمند، چه برسد

به نامه نانوشته را.

یک وقتی با مرحوم آقا یک جایی، یک مجلسی بودیم، ما دیدیم آقا یک چیزی می‌گوید، طرف دارد یک چیز دیگری جواب می‌دهد. گفتم: به‌به! حالا آن آقا از آن زمره افرادی است که نامه نانوشته را می‌خواند؛ او حرف گفته آقا را نمی‌فهمد! ببینید تفاوت از کجا تا کجاست؟! که وقتی من از آنجا بیرون آمدم به [کسی] گفتم: من می‌خواستم سرم را به دیوار بزنم از این ردوبدل‌هایی که ما در این [مجلس] دیدیم و شنیدیم. مرحوم آقا گفتند: خب نظرت راجع به این مجلس چه بود؟ ما هم نظرمان را دادیم. یک اخمی کردند: «خب حالا غیر از این» گفتم: «صرف نظر از آن هر چه شما می‌فرمایید!» اگر از من نظرخواهی می‌کنید، این است، اگر می‌فرمایید: «دهانمان را ببینیدیم!» خب هرچه شما بفرمایید! حرف آقا یک چیز دیگر می‌زنند، طرف یک چیز دیگر دارد [جواب می‌دهد].

هکنیا ات دوشدن شور هیضقن یا دیابن، لا ادا بـ
درف کی، فرطی بـ درف کی ن او نعه بـ هک نـ
،م تسه ه لئسم نیا ه بـ ت بسنی ئار درف کی، رظان
ی ریوسته چنم؟! منک ه چه هر خلا اب بـ م مهب نـ
ی تکرده چنم؟ منک داجیا م دوخن ه زرد، هار زا
ی یاهب ایا؟ م هذب ه اهدب ر دقچ دار فا ه بـ نـ؟ منک داجیا
ق لطم ی یاهب، ه اهدب دیاب، دوشی م ه داد دار فا ه بـ هک
؟ت سا روطن یا هیضق؟ میشاب دیاب ار گق لطم؟! دشاب
ه داد نینمو ملار یما ه بـ ت عا طار د هک ی یاهب نـ امه و
ی م ه داد ن سح ماما ه بـ هک ی یاهب نـ امه و دوشی م
،دوشی م ه داد ن یسح ماما ه بـ هک ی یاهب نـ امه و دوش

نیا مَیضَة، دوشد هداد مقرأ نبدیز هبء اهدب نامه
مشچ اب هدنبه کار نیا؟ دشاب دیابق لاطا نیا؟ تسا
بیغلاب امجر رگید هک مدید نم هکنیا، مدید مدوخ
زیچ نیا دنیوگی م یزیچ کی اقا موحرم. تسیند
هچ وا [دیوگی م هچ دراد ناشیا. دیوگی م رگید
رگید] مَیضَة کی هرابود! [دهدی م باوج
اقا هر خلا اب اتد رگید مَیضَة کی هرابود!] [روطنیمه
دشد تکاسد

شپیناسنا یارب ادخه کتسا ییاهزیچ اهنیا
شریسم و هار هجوتم ناسنا هکنیا اتد دروآی م
دشاب

دمحمل آ و دمحم ی اعل صد مهلا